

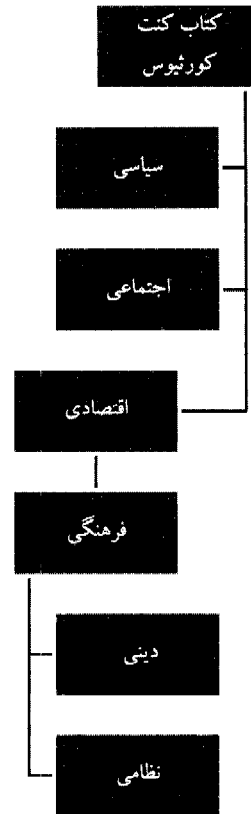
بسیار خوب ارائه کرده و آن‌ها را تحریف یا جعل نکرده است به جز سخنان و نامه‌های بنا بر عادت مرسوم بوده به‌طور خیلی موجز چنان که متداول و مرسوم بوده روایت کرده است. از محتوی مطالب کتاب کنت کورثیوس می‌توان نتیجه گرفت او اسکندر را در قالب یک افسانه روایت نمی‌کند، اگرچه تعریف و تمجید زیادی از او شده و به صورت یک مورخ درباری به ستایش شاه اهتمام ورزیده ولی می‌توان روایت او را تاریخ نامید.^۶

در قرون بعد اشخاص زیادی درصدد برآمدند تا کتاب‌های او را تکمیل کنند و مخصوصاً آقای «فرین شمیوس»^۷ که بر زبان لاتین تسلط تمام داشته است در این راه زحمات زیادی را به جان خرید. کتاب‌های کنت کورث در قرون سابق خواننده‌ی زیادی داشت، ولی حالا نوشته‌های این مورخ از اعتبار چندانی در نزد خوانندگان برخوردار نیست، زیرا او در سبک نوشتار متن را فدای حوادث تاریخی کرده است و به آرایه‌های ادبی بیشتر اهتمام ورزیده است و به این سبب مطالب او بیشتر جنبی ادبی به خود گرفته است. او در نوشتن کتابش از منابع متعددی استفاده کرده است که عبارتند از:

- ۱- خاطره‌های بطلمیوس لاگا و بعضی از سرداران دیگر اسکندر که آریان هم از این منابع استفاده کرده ولی استفاده او عاقلانه‌تر است.
 - ۲- اختراعات و افسانه‌های انس کریت و گالیس تن که بعد موضوع رومان تاریخی کلیتارخ گردید و کنت کورث مستقیماً یا به وسیله‌ی کتب دیگر از این رومان چیزهایی برداشته است. معلوم است که مقصود او از این اقتباسات تفریح خوانندگان بوده، نه تعلیم تاریخ.
- با وجود تمامی این معایب کتاب کنت کورث از جمله آثاری است که باید مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا حاوی اطلاعات با ارزشی است که در آن مؤلف به شرح اخلاق، عادات و قوانین مقدونی‌ها می‌پردازد که در هیچ یک از منابع نمی‌توان یافت. و از جمله مواردی که کتاب کنت کورث را نسبت به سایر کتاب‌ها ارجحیت و اعتبار بخشیده است این است که چون کنت کورث خود یونانی نبوده است با وجود ستایشی که برای اسکندر در سایر کتاب‌ها آمده است در این اثر خبری از آن نمی‌توان یافت و علاوه بر ذکر برخی از ویژگی‌های اسکندر کارهای بد اسکندر را پرده‌پوشی نکرده است و آن‌ها را به وضوح در کتابش قید می‌نماید.^۸ کتاب حاضر توسط آقای جان رولف به انگلیسی و بخش دیگر به زبان فرانسه در حدود ۵۵۵ صفحه ترجمه و تصحیح شده است و در دانشگاه پینسلوونیا به سال ۱۹۷۶ میلادی به چاپ رسیده است.

اهمیت کتاب

این کتاب حاوی اطلاعات گران‌بهایی از دوره‌ی زندگی اسکندر تا پایان مرگ او به حساب می‌آید. بنا به گزارش سایر مورخان اطلاعاتی را که کنت کورثیوس ارائه می‌دهد به جهت نبود سایر کتاب‌هایش تا حدی ناقص است، ولی با توجه به کتابی که از او در دست (که به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) است، وامدار اطلاعاتی از اثر کلیتارخوس هم‌رمز و همدم و مونس و همراه اسکندر و سایرین است و چون آثاری از کلیتارخوس به دست ما نرسیده است، از این رو آنچه را که کنت از این دوره از تاریخ ارائه می‌دهد از شایستگی و برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است. مضافاً بر این که کنت کورثیوس به عنوان یک استاد در علم فصاحت و بلاغت و سخنوری، اثر را طوری رقم زده است که برای خوانندگان بسیار جالب و حس‌قهرمان‌گرایی و تعریف و تمجید از آن متصور می‌شود و با مطالعه این اثر در می‌یابد که اثر



و کتاب‌های خود را در زمان «کلادیوس»^۹ امپراتور روم (۵۴ - ۴۱ میلادی) تألیف کرده است. نوشته‌های او معروف به تاریخ اسکندر کبیر است که در ده جلد به نگارش در آمده است ولی از آن‌ها کتاب اولی تا پنجم، و هم‌چنین ابتدای کتاب ششم گم شده و از کتاب دهم جاهایی افتاده است.^{۱۰} در مقدمه کتاب چنین آمده که ظاهراً در قرن اول میلادی در امپراتوری روم زندگی می‌کرد و تاریخ اسکندر را در ده جلد منزه و در قالب ادیبانه و در بسیار خوب برای خوانندگان یونانی زبان به رشته‌ی تحریر در آورد. دو کتاب از کتاب‌های ده جلدی او از بین رفته است و روایات را از سال‌های ۳۳۳ ق. م شروع می‌کند. محتوی کتاب‌های پنجم و ششم تا دهم امروزه در دست است. یکی از منابعی که کنت کورثیوس از آن در تألیف کتابش سود برده است کتاب گمشده کلیتارخوس بود کسی که در سال‌های ۳۰۰ ق. م. در دوران حیات اسکندر در کنار او بود. به طوری که حوادث این دوران را در قالب بسیار مهم و عجیب و حیرت‌آوری تبدیل کرده است. کنت کورثیوس اطلاعاتش را جطری ساماندهی کرده که نمی‌توان او را از جمله مورخان منتقد و تحلیل‌گرا مثل توسیدید یا پولی بیوس به حساب آورد. بیشتر هم وغم کنت کورثیوس مانند اسلافش (هرودوت) اشتیاق و دغدغه‌ی سرگرم کردن و هم‌چنین عزیز و بزرگداشتن اسکندر و کارهای او بوده است.^{۱۱} به طوری که تاریخ را فدای کارها و تعریف و تمجید از او کرده و عملاً در توصیف و تحلیل وقایع و حوادث مهم تاریخی غفلت کرده و فرد را به جای تاریخ توصیف می‌کند. یا به‌طور خیلی واضح‌تر حوادث تاریخ را تا حدی کنار گذاشته و با رویه قهرمان‌گرایی محو جمال و کارهای اسکندر شده است. او دانش و آگاهی کافی در امور نظامی و جغرافیایی در ادوار مختلف نداشته ولی سعی کرده است که آن‌ها را در قالب

کنت کورثیوس اطلاعاتش را طوری ساماندهی کرده که نمی‌توان او را از جمله مورخان منتقد و تحلیل‌گرا مثل توسیدید یا پولی بیوس به حساب آورد. بیشتر هم و غم کنت کورثیوس مانند اسلافش (هرودوت) اشتیاق و دغدغه‌ی سرگرم‌کردن و هم‌چنین عزیز و بزرگداشتن اسکندر و کارهای او بوده است

اسکندر مقدونی

و به دنبال آن تسلیم بی‌قید و شرط دولت‌ها، کشورها، ملت‌ها، اقوام متعدد، قبول آقایی و سیادت او بر تمامی این افراد را می‌تواند ببیند. به طوری که با بررسی اجمالی بر سراسر کتاب می‌توان یک نوع روحیه تقدیرگرایی برای سایر کشورها و اقوام... توأم با قهرمان پروری اسکندر و سایر سرداران آن می‌توان مشاهده کرد.

محتوای کتاب

کنت کورثیوس در کتاب ششم خود به موارد زیر اشاره می‌کند: وقتی که اسکندر در آسیا پیروزی‌هایی بدست آورد، آشفتگی‌هایی در یونان و مقدونیه به وجود آمد - آگیس شاه لاسیدمونی‌ها اصرار داشت زمانی که پارس‌ها دوباره حکومت را بدست گرفتند و بر سر قدرت آمدند، یونانی‌ها را از یوغ و بندگی و بردگی مقدونی‌ها بیرون آورند - با پول فرانیاوس و اتنوفردیتیس سربازان مزدوری به خدمت گرفت و توانست از غیبت آنتی پاتر در تراس سود زیادی بدست آورد - با بدست آوردن این سود توانست بر اطرافش و بر تمامی پیلپونیوس پیروز شود - سپاهی با ۲۰ هزار پیاده و ۲۰۰۰ هزار سواره نظام تهیه کند - آنتی پاتر در تراس در بهترین شرایطش ماندگار شد او می‌توانست از راه دوستی و اتحاد با شهرهای یونانی ۴۰ هزار سرباز را سازماندهی کند - او پیام‌هایی به اسکندر جهت آگاهی از شورش علیه او و همچنین عنوان پادشاهی و پول و کشتی کافی برای او ارسال کرد - در آغاز این جنگ به نفع لاسیدمونی‌ها بود - سرانجام جنگ به درگیری‌هایی سختی منجر شد اما بعد از مدتی آنتی پاتر بلافاصله نیروهای تازه نفس برای کمک به مردانی که در فشار بودند ارسال کرد - لاسیدمونی‌ها مرزهایشان را ترک کردند و عقب نشستند - در نتیجه آگیس با دربار سلطنتی و مردان شجاع خود با میل اشتیاق سخت برای نبرد آماده شدند.^۱

در کتاب هفتم کنت کورثیوس بر اساس سلسله مراتب تاریخ موارد زیر را مطرح می‌کند: توطئه‌ها و دسیسه‌های جدید هادریان اسکندر موجب شد که اسکندر در یک شرایط Lyncestes را بسازد - کسی که در همین مقام سه سال بود - او یک سیستم دفاعی راطراحی کرد اگرچه ابتدا در آن قصور کرد ولی بلاخره موفق شد، این روال ادامه داشت تا مرگ او فرارسید - برادران آمینتاس و سیمیاس و همچنین دوستان فیلوئاس متهم می‌شوند اما این اتهامات توسط آمینتاس رفع گردید - آمینتاس و برادرش در این حادثه جان سالم به دربردند - هنگامی فیلاتوس تحت شکنجه قرار گرفت برادر کوچکترش فرار کرد و بعدها توسط اسکندر مورد عفو قرار گرفت - پولیداماس به دربار فرا خوانده شد و او با عجله و شتاب به media رفت جایی که برای او اخباری در مورد

حاضر به شکل یک رومان حماسی رقم خورده است، ولی با توجه به سبک آثار و دامنه اطلاعات اثر کنت کورثیوس باید آن را از رومان تاریخی خارج دانست بلکه آن را خود تاریخ به حساب آورد، چرا که دامنه‌ی اطلاعات اثرش بسیار زیاد است و در این پنج جلد کتابی از او باقی مانده است اطلاعات تاریخی به شکل بسیار جالب ساماندهی شده است که با مطالعه اثر کنت کورثیوس می‌توان دریافت که او فقط صرف اطلاعات و اخباری را گزارش می‌کند و هیچ‌گونه نقد و انتقادی با صحت و سقم بودن اطلاعات را ارزیابی نمی‌کند و فقط اطلاعات را چه راست، چه دروغ باشد می‌آورد و قضاوت را بر عهده خواننده می‌گذارد و البته گاهی مرتکب اشتباهاتی هم می‌شود. اطلاعات ارائه شده در اثر کنت کورثیوس را می‌توان به چند حوزه تقسیم کرد:

اگرچه در حوزه‌های یادشده لایه‌ها و بستریابی از شکل جدید اطلاعات طبقه‌بندی شده ارائه می‌شود و با مطالعه آن می‌توان دریافت عمق و دامنه اطلاعات کنت کورثیوس چقدر زیاد است. عمده این اطلاعات از اثر کلیخارتوس و از اختراعات و افسانه‌های انس کریت و گالیس تن اقتباس شده و می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً اطلاعات طبقه‌بندی شده کلیخارتوس به شکل سازمان یافته تر در اثر کنت کورثیوس با توان بلاغت و فصاحت و روانی تمام رقم خورده است. گزارشی از وضعیت ایران در این دوره تا مرگ اسکندر و همچنین اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از مرزهای شرقی ایران، ایالاتی چون باختر، هند و اقوام متعدد منطقه چون، سکاها، باکتریایی‌ها، ماساژت‌ها، و هم‌چنین جنگ اسکندر با آن‌ها، فتح نواحی متعدد و بخش‌های شمالی و جنوبی رودخانه‌های جیحون و سیحون، دشت‌های ماوراء رودان، حرکت به طرف هند، سرکوب شورش‌های بعد از فتح نواحی شرقی، تاسیس شهرهای جدید، از جمله اطلاعاتی است که کنت کورثیوس بر اساس سلسله مراتب تاریخی در کتابش قید کرده است. یکی از جنبه‌های مهم کتاب حاضر اطلاعات جزئی و دقیقی است که کنت کورثیوس از منطقه‌ی شرق ایران ارائه می‌دهد که در سایر آثار این دوره مثل آثار آریان و دیودور سیسیلی یافت نمی‌شود. افزون بر این، گزارش‌های اکتشافات دریایی که نثارخوس به اسکندر داده است، در کمتر اثری می‌توان یافت. این دست از اطلاعات را می‌توان یکی از ویژگی‌های اثر حاضر به حساب آورد. اطلاعات بسیار جالب و خوبی از آداب و رسوم، جشن‌ها، بازی‌ها، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها... می‌توان از کتاب کنت کورثیوس به دست آورد که در آثار سایر مورخان مقارن این زمان کمتر به آن توجه شده است. ولی نباید فراموش کرد که قالب اطلاعات ارائه شده در این اثر حسی از برتری جویی، قهرمان‌گرایی و فناناپذیری اسکندر سردار مقدونی

**کنت کورثیوس در نوشتن کتابش از یادداشت‌های
کلیخارتوس و همچنین گزارش‌های نئارخوس
در یاسالار اسکندر استفاده کرده است. این دو اطلاعات
مفیدی از خود به جای گذاشتند، که بعدها مورخان
دیگر در کتب خود از آن‌ها بهره بردند**

اسکندر مقدون

غم و اندوه و پشیمانی از این واقعه - مقدونی‌ها تصمیم گرفتند که کلیتوس را چنانکه شایسته اش است او را دفن نمایند - اسکندر به سوی باختر و سرمتی‌ها حرکت کرد - مرگ فلیپ و اریگیسوس - اسکندر زن سپیتمان را (شوهر او را با خود به میدان جنگ آورده بود و در میان فوت کرد) از اردویش اخراج کرد - اسکندر به چندین ایالت خودمختاری اعطا کرد و آن‌ها تحت تابعیت حکمرانانش قرار گرفتند - در اثر سرما سپاهی به طرف گزبا gazaba فرستاده شده بود تقریباً همگی از بین رفتند - تحمل و شجاعت و پایداری اسکندر - مهربانی به سپاهیان مشترک از یونانی و پارسی - او کسپارتیس oxyartes تسلیم می‌شود - اسکندر با دختر او کسپارتیس oxyartes ازدواج می‌کند - افکار اسکندر به جنگ در هند معطوف می‌شود - اسکندر نیروهایش را با سلاح کوتاه تجهیز می‌کند - تحت تأثیر چاپوسان قرار می‌گیرد - او به مقدونی‌ها دستور داد به سبک و شیوه ایرانیان کالیستینس (رسم زمین بوسی در مقابل شاه) به او احترام بگذارند و در مقابل او به خاک بیفتند - هیرمولوس یکی از خواجگان دربار به سبب فشار بار مجازات علیه اسکندر دسیسه‌چینی می‌کند - وقتی سر هویدا شد گالیستینس از همدستی با توطئه‌گران علیه اسکندر پشیمان می‌شود فقط به جرم همراهی با توطئه‌گران زندانی می‌شود - به او اجازه داده شد تا از خودش دفاع کند - هیرمولوس با شجاعت و غرور به اسکندر به صورت لفظی حمله می‌کند - گالیستینس از احترام به اسکندر خودداری می‌کند و به همدستی در توطئه اقرار می‌کند - اسکندر بعد از مکث طولانی به سخنان هیرمولوس پاسخ می‌دهد - اسکندر دستور داد که کالیستینس را بکشند چراکه مرگ او بهتر از سایر توطئه‌گران و خائنان است - اسکندر به طرف هند حرکت کرد - شرح و توصیف منطقه هند، رودخانه، حیوانات، آب و هوا، ثروت و دارایی، طبقات متعدد مردم، عیاشی و زرق برق شاهان، روش و شیوه زندگی فیلسوف مسلکانه هندیان - اسکندر تابعیت فرمانبرداری چندین تن از شاهزادگان هندی را دریافت کرد و چند شهر در آنجا بنا نمود و قلمرو حاکمان و شاهانی که هنوز پایداری می‌کردند، تصرف کرد - او از مرگ مگازی حیران شد و اجازه داد تا او را دفن کنند اگر چه او را پسر ژوپیتر می‌نامیدند - بعد از کشمکش و درگیری شهرهایی چون؛ هورا و اورانوس را تصرف کرد - تصرف شهرها بیهوده بود که توسط هیراکولیس انجام شد - اسکندر از رودخانه ایندوس عبور کرد و دوباره به مقر فرمانروایی‌اش در امپیس omphis بازگشت - کسانی که در جوارش بودند برای شاه هدایا متفاوت آورده بودند - اسکندر به طرف رودخانه هیداسپ لشکر کشی می‌کند - جنگ در پروس - با عملیات نظامی نیروهای پروسی به دو بخش تقسیم می‌شوند - اسکندر از رودخانه هیداسپ عبور می‌کند و سواحل آن را تصرف می‌نماید

چگونگی مرگ پارمینون را آوردند - اسکندر دستور داد تا سپاهیان در زیر سلاح قرار بگیرند و افرادی از این موضوع و دلایل آن شکایت کردند - اسکندر بعد از این که آریملسپی و آراخوزایا را تحت تابعیت خود درآورد از کوه‌های پاراپامیزوس به همراه سپاهیان عبور کرد - توسط پیاده نظام خود شهری به نام اسکندریه بنا کرد - بسوس مهمانی و ضیافتی را با شرکت کنسولان منطقه ترتیب داد تا در این ضیافت در مورد جنگ با اسکندر شور کنند - گوبریاس به بسوس در مورد این جنگ هشدار داد - اما این هشدارها هیچ تأثیری بر بسوس نداشت - بسوس از مقابل اسکندر فرار کرد و به سوی سفدیانا گریخت - اسکندر وارد باکتريا شد - مرگ ساتیبارزانس را شنید - اسکندر از جیحون oxus گذشت - بسوس توسط سپیتامینس دستگیر شد و به نزد اسکندر آوردند - شاه بسوس را به oxathres او کساتریس و برداران داریوش سپرد تا او را به صلیب بکشند - سفدیانی مطیع شده دوباره سر به شورش برداشت - کوروبولیس و سایر شهرها تصرف شدند و اسکندر شهری را با عنوان اسکندریه در کنار سیحون iaxartes بنیان نهاد - اسکندر تحت فشار جراحت و زخم جنگ بود - کنسولی به منظور جنگ با سکاها در شرق گماشت - اریستاندر فال و سرنوشت و همچنین نشانه‌های از جنگ اسکندر را تفسیر می‌کند - میندیموس در این میان شکست خورد و به همراه کمتر از ۲۵۰۰ سواره نظام در این حمله کشته شد - اسکندر مصیبت و درد این واقعه را پنهان می‌کند - وقتی اسکندر آماده جنگ می‌شود، نمایندگانی از سکاها وارد می‌شوند و نشانه‌های صلح را تسلیم می‌کنند - اسکندر نمایندگان را نمی‌پذیرد - از سیحون iaxartes عبور می‌کند و به سکاها حمله می‌کند - او سکاها را شکست می‌دهد و با آن‌ها به مهربانی و سخاتمندانه برخورد می‌کند - او دریافت که سکاها در محاصره هستند به تعقیب سپیتمان (کسی که میندوس را شکست داده بود) پرداخت - سفدیانا دوباره تصرف شد - روحیه بالای نجیب زادگان سفدیانا اسکندر را وادار کرد که به باکتريا بازگردد - بسوس به اکباتانه فرستاده شد تا در آن دیار به مجازات برسد - شش شهر در حوالی مرگیانا بنا نهاده شد - تختگاه Arimaza آریمازا به سبب شرایط طبیعی غیرقابل تسخیر توسط اسکندر فتح شد - دلایل سرسختی و دفاع فرماندار آریمازا در مقابل حملات اسکندر - ارتباط اسکندر با نجیب زادگان گوشمالی و تنبیه و به صلیب کشیدن آن‌ها.^{۱۱}

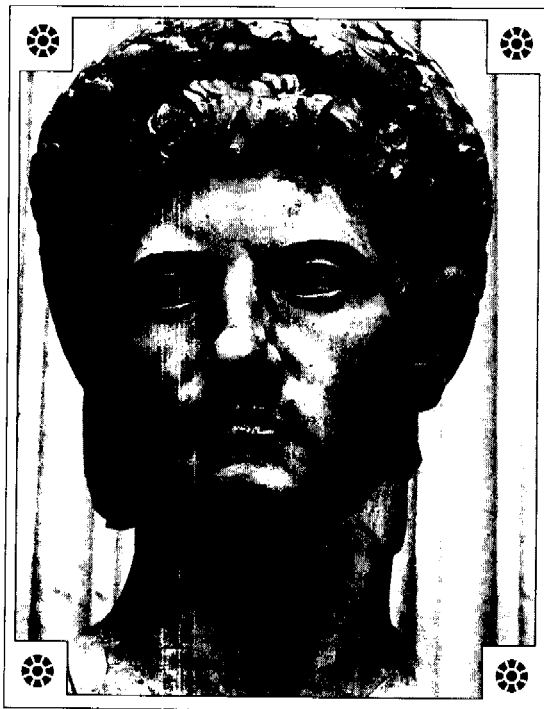
کنت کورثیوس کتاب هشتم خود را به مطالب زیرآراسته است: ماسازت‌ها، داهه‌ها و سفدیانی‌ها تحت تابعیت اسکندر قرار گرفتند - سکاها دختر شاه باختر را برای ازدواج با اسکندر پیشنهاد کردند - اسکندر به سبب مستی کلیتوس راه که در یک ضیافت مهمانی، سخنان تندى به او زده بود، به قتل رسانید -

ها و کوراتاس و مقدونی ها جنگ تن به تن آغاز می‌شود - یونانیان پیروز می‌شوند اما خودشان کشته می‌شوند زیرا رسوایی بدنامی برای دشمنانش است - اسکندر با کشتی‌هایی از روی ایندوس به طرف پتاله palata حرکت می‌کند و بلافاصله به سمت سایر قبایل همسایه می‌رود - پوتلمه توسط یک تیر سمی زخمی می‌شود و به طور معجزه‌آسایی معالجه می‌شود - سرانجام اسکندر بعد از مدت‌ها از گذشتن ملوانان نازآمده و ناشی‌اش از جزر و مد و رسیدن به اقیانوس ابراز خشنودی می‌کند - رهسپار شدن نثارخوس به دریا به منظور انجام اکتشافات دریایی و سفر در اقیانوس با یک کشتی یا یک ناوگان دریایی و بازگشت او به دریای عمان - اسکندر و عبور او از صحرای بزرگ cedrosia جایی که این سپاه از شدت گرسنگی و کم‌آبی با مشکلات بزرگی مواجه شدند و آن را تحمل کرد - بعد از مدت زمان زیادی آن‌ها به کرمانیا carmania رسیدند و بعد از عبور از میان صحراف به جشن و شادمانی پرداختند.^{۱۱}

در کتاب دهم کنت کورثیوس به مطالب زیر اشاره دارد: این بخش از کتابش با سایر جلدها متفاوت تر است چرا که مؤلف به پایان دوران اسکندر می‌رسد و به نوعی تألم و تأثر از متن کتاب پیداست. اسکندر نسبت به حاکمان فاسد حدت و سختی زیادی نشان می‌دهد. نثارخوس و انسی کرتیوس از سفر دریایی بازگشتند و آن‌چه را که در طول سفر آموخته و شنیده بودند به اسکندر گزارش می‌دهند - اورسی نیس orsines حاکم پاسارگاد استحقاق اعدام شدن را ندارد - شورش odrysae در تراسی - آشوب و شورش در میان یونانی‌ها به حاکمان در آسیا دستور داد تا نیروهای خارجی‌شان را به سرزمینشان باز گردند - هراپالوس کسی که از طرف اسکندر به ساتراپی بابل منصوب شد - به سبب اختلاس در خزانه شاهی به میزان ۵۰۰۰ تالان و ترس از جان خود به اروپا فرار کرد - اسکندر امیدوار بود که آنتی‌ها او را دستگیر کرده و به نزد او بیاورند - طرح‌های اسکندر به آنتی‌ها رسید، اما دریافتند که هراپالوس از دست آنتی‌ها خارج شده است به طوری که او در کریت crete کشته شد - اسکندر

- نبرد سختی بین مقدونی‌ها و هندوان به وقوع می‌پیوندد - پروس در جنگ شکست می‌خورد اما اسکندر با آنان با مهربانی رفتار می‌کند.^{۱۱}

در کتاب نهم کنت کورثیوس اطلاعات زیر را آورده است: اسکندر در سواحل رودخانه هیداسپ پیشروی می‌کند - او قبایل و شهرهای زیادی را (که آداب و رسوم متفاوتی بودند و توصیف شده است) تصرف می‌کند - زمانی که از سواحل هیداسپ می‌گذرد دو قوم قوی و قدرتمند به او حمله می‌کنند - سربازانش شجاعت و دلیری به خرج می‌دهند و به پیشروی ادامه می‌دهند - شاهان و حاکمان قبایل با سخنرانی فصیح از اسکندر درخواست صلح می‌کنند - کونیوس از میان سربازانش به شاه جواب می‌دهد - اسکندر بعد از تغییرات دوازدهگانه و ساختن لوحه‌های یادبود، از توسعه‌طلبی و پیشروی و بنیان نهادن نیسایه و بوسیفیلا به عقب برمی‌گردد - اسکندر ناوگان کشتی‌رانی در جنوب رودخانه هیداسپ تشکیل می‌دهد - کونیوس بیمار می‌شود و بعد از مدتی فوت می‌کند - اسکندر سی بی sibi را تصرف می‌کند - اسکندر به هنگام فشار در جنگ در کناره رودخانه هیداسپ و Acesines و آسیان‌ها، با خطر بزرگی مواجه گردید، اما توانست به سرزمین‌های مالی mali دست یابد - در میان سربازان نشانه‌های از نارضایتی مشاهده می‌شود، اما با سخنرانی شاه احساسات هواخواهی‌شان تحریک می‌شود - اسکندر بربرها را شکست می‌دهد و با وجود خطرات و هشدارهای پیشگو، دوباره به شهرهایشان حمله می‌کند - او از کنار دیوار قلعه به میان دشمن می‌پرد و بعد از جنگ بسیار بزرگ به شدت زخمی می‌شود، اما با شجاعت و دلیری تعدادی از محافظانش نجات می‌یابد - پیش از زخمی شدن، شاه در انظار عمومی ظاهر می‌شود و سلامتی خود را عیان می‌کند - در این میان با مقاومت متصرفاتش در مواجهه می‌شود - آشوب و ناراحتی در میان یونانیان باختر - نمایندگان مالی mali و سودراسای sudracae برای سفارت پیشنهاد می‌شوند - اسکندر به همراه آن‌ها یک ضیافت مهمانی ترتیب می‌دهد - در دیوکسیپوس dioxippus در میان آنتی



جانشین برای او و عقاید و آراء مختلف مقدونی‌ها در این مورد - میلیاگر به برادر اسکندر آریده التفاط می‌کند - پیتون phiton perdiccas نامیده می‌شود و leonnatus لیونناتوس به عنوان نایب السلطنه تا زمان تولد پسر از رکسانا Roxana منتظر می‌ماند - آریده توسط سربازان پیاده نظام تا رسیدن به تاج و تخت شاهی محافظت می‌شود - پردیکاس و لیندانیس با سواره نظام شان تصمیم می‌گیرند که شهر را ترک نمایند - میلیاگر mealeger در مورد کشتن لیندانس با آریده مشورت می‌کند - پردیکاس به مکانی در میان دشتهای پناهنده می‌شود و در بابل به گرسنگی مبتلا می‌گردد - آریده مایل به صلح است و سعی و تلاش دارد که این ویرانی و آشفستگی را آرام کند - پردیکاس زمانی که با یک رویا ارتشی به سبک و شیوه مقدونی می‌سازد و با این ارتش با یک استراتژی یا برنامه خاص میلیاگر با ۳۰۰ تن از شورشیان و آشوب طلبان و خائنان به نفاق را به قتل می‌رساند - پردیکاس امپراتوری اسکندر را تقسیم می‌کند و بخش مهم امپراتوری را آریده و تعدادی از سردارن سپاه مقدونی به خود اختصاص می‌دهد - جسد اسکندر به شیوه و سنت مصریان و کلدانی مومیایی می‌شود و به سوی بوتلمه و از آن جا به میفیس و بعد از آن به اسکندریه در مصر انتقال می‌یابد.^{۱۳}

منابع و مأخذ

- پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران، افسون، ج ۱، ۱۳۸۰.
 Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, Books VI-X, university Pennsylvania, McmlXXVI, 1976

پی‌نوشت

- 1 - Quinte Curce
- 2 - Quintus Curtius Rufus
- 3 - Claude
- ۴ - حسن پیرنیا، ایران باستان، تهران، افسون، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۹۵
- 5 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, Books VI-X, university Pennsylvania, McmlXXVI, 1976, p. 1
- 6 - p. 2. Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II
- ۷ - Freinchemius از نویسندگان قرن هفدهم است.
- ۸ - حسن پیرنیا، ایران باستان، ص ۹۶
- 9 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 2-111
- 10 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 111-227
- 11 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 233-359
- 12 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 362-461
- 13 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 469-559.

به سربازانش حقوق می‌دهد - قصد داشت به یکی از خانه های قدیمی برود (خانه بیلاق) و در کمال آرامش در آنجا بماند - شورشی در میان سپاهیانش به وجود می‌آید که اسکندر آن را فرومی‌نشانند - اسکندر سیزده شورشی را سرکوب می‌کند - از گروهی از سربازان خارجی تمجید می‌کند - از میان نیروهایش یعنی از میان فرماندهان ایرانی تعدادی را به عنوان گارد و محافظ خود انتخاب می‌کند - سردهای شورشی توسط فرماندهان ایرانی اعدام می‌شوند - یکی از این شورشیان به شاه تعرض می‌کند - اسکندر در یک حالت عصبی دستور داد تا همگی شورشیان را به رودخانه بریزند - عصبانیت او بیش از دو روز دوام نداشت - او بعد در انظار ظاهر شد و به سبب طرح‌های ناموفقش مورد بازخواست قرار گرفت - دستور داد قربانی باشکوهی انجام دهند و رهبران پارسی و مقدونی‌ها را برای یک ضیافت دعوت کرد - تمام سربازان از کارافنده را با دادن پست های سازمانی و همچنین به هر نفر یک تالان پول، آن‌ها را از خدمت سربازی و خدمت نظام مرخص کرد - او دستورات دیگری صادر کرد که تمامی پسران فراموش شده آزیبک Asiatic به همراه او تشکیل خانواده بدهند و ازدواج کنند - بیش از ده هزار سرباز کهنه کار و از کارافنده توسط کراتیریوس cratirerus از خدمت سربازی مرخص و به یونان فرستاده شدند - آنتی پاتر به طور مستقیم افتخارات مخصوص و امتیازات ویژه ای به او اعطا کرد - کراتیریوس به فرماندهی یا حکمرانی منصوب گردید و آنتی پاتر برای آمدن اسکندر دستور تجدید قوا را داد، زیرا اختلافاتی بین آنتی پاتر و المیاس مادر شاه بوجود آمده بود که تصور می‌شد آنتی پاتر در تشدید به آن کارهای دیگری انجام می‌دهد اسکندر بعد از تغییرات در سپاه به کیلونا celonea آمد - کیلونا شهری بود که اجداد boeotins توسط خشایارشا از مساکن خودشان رانده شدند - نزاع بین eumenes و hephaestion هیفستیون بوجود آمد - اسکندر به میدیا media آمد - برای اسبان خوب و نیک آن منطقه جشن برگزار کرد - در اکباتان او دستور داد تا قربانی‌ها و جشن‌ها و بازها و مهمانی‌ها و ضیافت‌های برای آسایش خاطر مردم برگزار کنند - هیفستیون بیمار شد و در گذشت - جسد او به بابل منتقل گردید و با مراسم و تشریفات به خاک سپردند - اسکندر دستور داد با هیفستیون در سراسر امپراتوری سوگواری کنند - او بر آن شد که هیفستیون به انداز خدا و یک آگاتوکلس و یک samian بالا ببرند - اسکندر برای مقابله با کوسی‌ها cissaei که افرادی گستاخ و جسور و ملت جنگجو بودند، حرکت کرد - او بعد از ۴۰ روز آن‌ها را تحت فرمان خود درآورد - اسکندر شهرهایی را بنا کرد و به سوی بابل حرکت کرد - نثارخوس به او هشدار داد که وارد شهر بابل نشود - اما او این اظهارات را کودکانه تصور کرد و آن را خوار شمرد و اصلا به آن اعتنایی نکرد - او بر روی رودخانه pallacopas در سرزمین اعراب به کشتی‌رانی مشغول شد - او شهری را در آنجا بنا نهاد و تعدادی از افراد پیرو سالخورده و یونانیان از کار افتاده و سایر کسانی که دوست داشتند در آنجا باقی بمانند در آن منطقه اسکان داد - با وجود این که نشانه های یا پیشگویی‌های نامطلوب در خصوص ورود او به بابل وجود داشت، اسکندر وارد بابل شد - او به همراه نثارخوس در مهمانی و ضیافت شرکت کرد - وقتی که در حال استراحت بود میدیای‌ها، مادها قصد داشتن در این باده‌گساری شرکت کنند به او سوء قصد کنند، بعد از صرف شام و نوشیدن، مریض شد و شش روز به شدت در بستر بیماری افتاد - حلقه‌ای به پردیکاس داد و اظهار داشت که جسد او را به آمون ببرند - اسکندر فوت کرد و گفت که پادشاهی را برای بهترین مردان رها کرده است - انتخاب